

تأثیر آزادسازی تجاری و اندازه‌ی دولت بر اشتغال بخش کشاورزی ایران

محمد رضا زارع مهرجردی، مریم ضیاءآبادی و سید عبدالمجید جلائی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۸/۱۷

چکیده

برنامه‌ی آزادسازی تجاری به‌عنوان فرایندی در جهانی‌شدن، زمینه‌ساز رقابت‌پذیری بین‌المللی و مشارکت کشورها در فعالیت‌های اقتصادی است. البته، فعالیت‌هایی که از توان رقابتی خوبی برخوردار نباشد در جریان این برنامه امکان ادامه‌ی کار را از دست می‌دهند. در این تحقیق نقش آزادسازی تجاری و اندازه‌ی دولت در بخش کشاورزی ایران بر سطح اشتغال این بخش طی دوره‌ی ۸۵ تا ۱۳۵۰ مورد بررسی قرار گرفته است. سپس آثار بلندمدت و کوتاه‌مدت از طریق مدل اتورگرسیو با وقفه‌های گسترده و روش تصحیح خطا بررسی شده است. نتایج به‌دست آمده از این تحقیق نشان داد که آزادسازی تجاری در بلندمدت تأثیر معنی‌داری بر سطح اشتغال بخش کشاورزی ندارد، اما در کوتاه‌مدت تأثیر منفی بر آن دارد. همچنین میان اندازه‌ی دولت در بخش کشاورزی و اشتغال این بخش در بلندمدت رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد. با توجه به نتایج، پیش‌نهاد می‌شود که هم‌گام با آزادسازی تجاری، صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی افزایش یابد، تا بدین وسیله از بیکاری کشاورزان در جریان آزادسازی جلوگیری شود.

طبقه بندی JEL: Q1، Q17، Q28

واژه های کلیدی: آزادسازی تجاری، دولت، اشتغال، بخش کشاورزی، مدل اتورگرسیو با وقفه‌های گسترده

* به ترتیب استادیار و دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی و دانشیار بخش اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان
Email: mziaabadi@yahoo.com

مقدمه

مهم‌ترین عامل رشد هم‌گرایی اقتصاد جهانی و یا جهانی‌شدن اقتصاد رشد تجارت بین‌المللی است به‌گونه‌یی که نرخ رشد تجارت بین‌المللی از دهه‌ی ۱۹۶۰ تا کنون در بیش‌تر سال‌ها بالاتر از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بوده است (کميجانی و قويدل، ۱۳۸۴). به همین منظور بررسی تاثیر آزادسازی تجاری و هم‌چنین اندازه‌ی دولت (که در جریان جهانی شدن و آزادسازی کوچک تر خواهد شد) بر بازار کار و اشتغال به لحاظ نظری و عملی مهم‌ترین بحث در مطالعه‌ی حاضر می‌باشد. منظور از آزادسازی تجاری نوعی سیاست تجاری است که در مرحله‌ی اول آن حذف محدودیت‌های کمی و در مراحل بعدی، یک‌سان‌سازی نرخ‌های واقعی حمایت برای همه‌ی بخش‌های اقتصادی اتفاق می‌افتد. در نتیجه‌ی تاثیرات بلندمدت این مراحل کسب کارایی اقتصادی اتفاق می‌افتد، که تولید و مصرف بیش‌تری را فراهم می‌سازد. سیاست‌های آزادسازی دو هدف اساسی دارد، به‌گونه‌یی که اولین هدف آن، کمک به افزایش رشد اقتصادی و اشتغال از طریق بهبود تخصیص منابع و کارایی اقتصادی است. دومین هدف عمده‌ی آن، کمک به بهبود در تراز پرداخت‌ها به وسیله‌ی تقویت قدرت رقابتی بخش صادراتی اقتصاد، رشد و گسترش صادرات، و کارا تر کردن بخش کالاهای جانشین واردات است (کاظمی نائینی، ۱۳۸۲). آزادسازی تجاری و رشد تجارت خارجی اثرات مثبت و منفی‌یی بر بازار کار دارد. در این که افزایش تجارت، به‌ویژه افزایش صادرات، سبب افزایش تولید و به تبع آن افزایش اشتغال خواهد شد شکی نیست، اما رشد تجارت تنها به همین حرکت در اقتصاد خلاصه نمی‌شود. کالا و خدماتی که در بازارهای جهانی عرضه می‌شود، بایستی دارای ویژگی استاندارد بین‌المللی باشد بتواند با کالاها و خدمات مشابه خارجی رقابت کند. بنابراین، افزایش تجارت بین‌المللی سبب می‌شود که گروهی از نیروی کار، منافع و شغل خود را از دست بدهند، و گروهی دیگر منافع و شغل‌های مناسبی به‌دست آورند. به هر حال، این که چه میزان فرصت شغلی ایجاد می‌شود و چه میزان فرصت از دست می‌رود، در کشورها با درجه‌ی باز بودن اقتصاد آن‌ها متفاوت است. در مجموع برقراری تجارت آزاد و حذف موانع بازرگانی، موجب ایجاد فضای رقابتی در یک کشور با کشورهای

تأثیر آزادسازی تجاری و اندازه‌ی دولت بر اشتغال ...

دیگر است، در حالی که این احتمال نیز وجود دارد که با به‌کارگیری سیاست‌های آزادسازی تجاری، فعالیت‌هایی که در سایه‌ی سیاست‌های حمایتی شدید شکل گرفته است دچار مشکل شود. هم‌چنین در جریان تطبیق فعالیت‌های اقتصادی، آزادسازی تجاری منابع تولید به سمت فعالیت‌هایی سوق پیدا می‌کند که توان رقابتی ایجاد ارزش افزوده‌ی بیشتری به دنبال دارد. در نتیجه‌ی این امر، فعالیت‌هایی که از توان رقابتی زیادی برخوردار نیست دچار رکود می‌شود. این امر افزایش سطح بیکاری را در کوتاه‌مدت به دنبال خواهد داشت (طیبه و ذاکر، ۱۳۸۷).

لونسون (۱۹۹۹) جریان اشتغال را در ارتباط با آزادسازی تجاری برای اقتصاد شیلی تشریح کرده است. نتایج مطالعه‌ی ایشان حاکی از این است که رابطه‌ی مستقیمی میان اندازه‌ی موسسات درگیر با مسئله‌ی آزادسازی و اشتغال در آن موسسات وجود دارد. هم‌چنین شوک‌های کلان اقتصادی از عوامل مهم و موثر بر سطح اشتغال در موسسات است. کریستر و همکاران (۲۰۰۵) در مطالعه‌ی خود به اهمیت تاثیرات آزادسازی تجاری روی بازار کار و جریان اشتغال در اکراین پرداخته‌اند. نتیجه‌ی مطالعه‌ی آن‌ها نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری باعث ایجاد شغل می‌شود، اما توزیع اشتغال را به هم می‌زند. به عبارت دیگر در جریان آزادسازی تخصص و مهارت نیروی کار، و ایجاد شغل برای افراد باتخصص و ماهر بسیار حائز اهمیت است. استالینگ و پرس (۲۰۰۰) نشان دادند که تنوع در آزادسازی تجاری در قالب جهانی شدن اقتصاد در فراگیری یک‌پارچگی‌های تجاری میان کشورها، تقاضا برای نیروی کار را افزایش داده و به موضوع پایداری تبدیل شده است. خزی (۲۰۰۳) نیز برای آزادسازی تجاری به عنوان یک عامل مهم در جهانی شدن تاکید دارد، زیرا در فرایند جهانی شدن نابرابری، درآمدها کاهش و فرصت‌های شغلی و دستمزدها افزایش می‌یابد، و این عامل بااهمیتی در کشورهای در حال توسعه است. لی (۲۰۰۵) آثار آزادسازی تجاری را روی رشد و اشتغال، در کشورهای در حال توسعه بررسی کرده است. نتایج او نشان می‌دهد که خود شرایط هر کشور و آثار محتمل در آن کشور فاکتورهای مهمی برای رشد و شرایط بازار کار است. خصوصاً تفاوت در چگونگی آزادسازی تجاری در کشورها عامل بسیار مهمی است. در مطالعات انجام شده توسط رام (۱۹۸۶ و ۱۹۸۹) و کار (۱۹۸۹) حضور دولت در اقتصاد مثبت

ارزیابی گردیده است؛ هم‌چنین نشان داده شده است که افزایش اندازه‌ی دولت باعث رشد اقتصادی می‌شود، و در نتیجه تاثیر مثبت روی اقتصاد دارد. لی و لین (۱۹۹۴) و گوسه (۱۹۹۷) در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که حضور دولت در اقتصاد منعی برای رشد است، و رشد اندازه‌ی دولت تاثیر منفی روی اقتصاد و متغیرهای کلان اقتصادی دارد. بناروس و پندی (۲۰۰۸) رابطه میان آزادی تجاری و اندازه‌ی دولت و هم‌چنین تاثیر آزادسازی تجاری بر اندازه‌ی دولت را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها با استفاده از داده‌های تابلویی بیان کردند که رابطه‌ی مثبت و مستقیمی میان متغیر اندازه‌ی دولت و تجارت آزاد وجود ندارد. نتایج مطالعه‌ی آن‌ها حاکی از آن است که اندازه‌ی بزرگ‌تر دولت باعث کاهش درجه‌ی باز بودن تجاری می‌شود. کمیجانی و قویدل (۱۳۸۴) نقش آزادسازی تجاری بر بازار کار و اشتغال را در ایران مورد ارزیابی قرار داده‌اند. آن‌ها در مطالعه‌ی خود به این نتیجه رسیدند که تاثیر آزادسازی تجاری بر اشتغال نیروی کار ماهر و دست‌مزد این گروه از نیروی کار مثبت، اما بر دست‌مزد و اشتغال نیروی کار غیر ماهر منفی است. از آن‌جا که بخش کشاورزی از بخش‌های اصلی و مهم اقتصاد، و رشد اقتصادی آن از هدف‌های اولیه و اساسی این بخش به شمار می‌آید، بررسی تاثیر مخارج و هزینه‌های دولت در بخش کشاورزی بر اشتغال این بخش در جریان آزادسازی از اهمیت بالایی برخوردار است. برخی مطالعات حضور مثبت یا منفی دولت را در اقتصاد منوط به نوع حضور آن در اقتصاد می‌دانند. صادقی و همایونی‌فر (۱۳۸۰) نقش کشاورزی را در تامین اشتغال و کاهش بی‌کاری بررسی کردند. آن‌ها در تحقیق خویش به این نتیجه دست یافتند که عامل سرمایه‌گذاری و نیروی کار در یک سال زراعی به صورت دو عامل جانشین عمل می‌کنند. رفیعی و زیبایی (۱۳۸۲) به بررسی تاثیر اندازه‌ی دولت بر رشد اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار پرداخته‌اند. نتیجه‌ی مطالعه‌ی آن‌ها حاکی از آن است که اندازه‌ی دولت تاثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد بخش کشاورزی ایران دارد، و بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی رابطه‌ی مستقیمی با سرمایه‌گذاری بخش دولتی دارد. هدف این مطالعه بررسی تاثیر اندازه‌ی دولت و آزادسازی تجاری بر اشتغال بخش کشاورزی با استفاده از تابع تقاضای نیروی کار در بخش کشاورزی می‌باشد. در این مطالعه از روش‌های اقتصادسنجی و شاخص‌های باز

تأثیر آزادسازی تجاری و اندازه‌ی دولت بر اشتغال ...

بودن اقتصاد (شامل درجه‌ی باز بودن تجاری و شاخص سطح تجارت بین‌المللی) استفاده شده است.

روش تحقیق

الف: داده‌ها

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش به صورت سری زمانی می‌باشد، که از سال‌نامه‌های آماری مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و همچنین بانک مقالات و داده‌های اقتصادی ایران در دوره‌ی زمانی ۸۵ تا ۱۳۵۰ جمع‌آوری شده است.

ب: چارچوب تحلیل

در بیش‌تر مطالعات مربوط به ادبیات آزادسازی تجاری بر رابطه‌ی نظری و تجربی آزادسازی و اشتغال تاکید شده است. به عبارتی، توسعه‌ی مبادلات تجاری بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد و به رشد اشتغال منجر می‌گردد. هدف ایجاد یک چارچوب مبتنی بر ارتباط میان آزادسازی تجاری و اشتغال است، به گونه‌ی که چگونگی تاثیرگذاری توسعه‌ی تجارت از طریق به‌کارگیری سیاست‌های رفع موانع تجاری بر سطح اشتغال بخش کشاورزی کشور بررسی می‌شود. مدل مورد استفاده در این مقاله شامل یک بردار از متغیرهای اقتصادی است که بیان‌گر روابط بلندمدت میان اشتغال و عوامل موثر بر آن است. ذکر این نکته لازم است که بردار مذکور از طریق تابع تولید حاصل می‌گردد. هدف اصلی این است که یک بررسی عملی و تجربی بتواند ارتباط میان اشتغال و تجارت را نشان دهد، به گونه‌ی که آزادسازی تجاری روی اشتغال تاثیرگذار است. برای ایجاد ارتباط میان متغیر اشتغال با متغیر آزادسازی از تابع تولید کاب داگلاس استفاده می‌شود (کمیجانی و قویدل، ۱۳۸۴).

اگر تابع تولید برای یک بنگاه فرضی به صورت زیر در نظر گرفته شود:

$$q_i = (A_i L_i)^\alpha K_i^\alpha \quad 0 < \alpha < 1 \quad (1)$$

در این تابع I نشان دهنده ی بنگاه، q تولید، A تکنولوژی، L اشتغال، K موجودی سرمایه و ضریبی است که مقدار آن میان صفر و یک است. در این تابع تولید، اثر تکنولوژی به صورت تاثیر بر نیروی انسانی نشان داده شده است. به عبارت دیگر تکنولوژی همان بهره وری نیروی کار در نظر گرفته می شود. البته لازم است گفته شود که نشان دادن تکنولوژی در تابع تولید تنها تکنولوژی نهفته شده در نیروی انسانی نیست و می تواند مستقل یا نهفته شده در عامل سرمایه باشد، و یا تکنولوژی به گونه های دیگری به کار گرفته شود.

تابع سود این بنگاه فرضی به صورت زیر است:

$$\pi = P[(A_i L_i)^\alpha K_i^{1-\alpha}] - W L_i - r K_i \quad (2)$$

فرض شده است که بازار کالا و خدمات و بازار عوامل از شرایط رقابت کامل برخوردار اند. W نشان دهنده ی دست مزد و r نشان دهنده ی اجاره ی سرمایه است. با حداکثر ساختن تابع سود نسبت به دو عامل تولید (کار و سرمایه) می توان تابع تقاضا برای نیروی کار را به صورت زیر به دست آورد:

$$L_i = (\alpha_i P_i)^{\frac{1}{1-\alpha_i}} W_i^{\alpha_i-1} A_i^{-1} K_i \quad (3)$$

این تابع تقاضا برای یک بنگاه فرضی مانند بنگاه I است، اما اگر فرض کنیم که تمام بنگاه های صنایع مختلف در اقتصاد (n بنگاه) دارای چنین تابع تقاضایی برای نیروی کار باشند، تابع تقاضای نیروی کار در کل اقتصاد به صورت $L = n L_i$ خواهد بود، بنابراین می توان معادله ی سوم را به صورت زیر برای کل اقتصاد نوشت (کميجانی و قويدل، ۱۳۸۴):

$$L_i = (\alpha_i P_i)^{\frac{1}{1-\alpha_i}} W_i^{\alpha_i-1} A_i^{-1} K_i n \quad (4)$$

اگر کل تولید در اقتصاد را با Q نشان دهیم و میزان تولید هر بنگاه q باشد، می توان ادعا کرد که:

$$Q = nq$$

و با جایگزینی در معادله ی (۴) داریم:

تأثیر آزادسازی تجاری و اندازه‌ی دولت بر اشتغال ...

$$L_i = (\alpha_i P_i)^{\frac{1}{1-\alpha_i}} W_i^{\frac{1}{\alpha_i-1}} A_i^{-1} K_i \frac{Q}{q} \quad (5)$$

از طرف دیگر چون تولید کل در یک اقتصاد هم‌ارز با تقاضای داخلی و خالص صادرات است، پس می‌توان نوشت:

$$D = Q - X - M \quad (6)$$

که D در آن نشان دهنده‌ی تقاضای داخلی است. با جای‌گزینی معادله‌ی (6) در معادله‌ی (5) و دیفرانسیل‌گیری و به‌دست آوردن نرخ رشد متغیرها داریم:

$$\dot{L} = \frac{1}{1-\alpha_i} \dot{p} - \frac{1}{1-\alpha_i} \dot{W} - \dot{A} + \dot{K} + \left[\frac{D}{Q} \dot{D} + \frac{X}{Q} \dot{X} - \frac{M}{Q} \dot{M} \right] \quad (7)$$

معادله‌ی (7) ارتباط میان نرخ رشد اشتغال \dot{L} ، با نرخ رشد قیمت محصول \dot{p} ، دست‌مزد \dot{W} ، تکنولوژی یا بهره‌وری \dot{A} ، موجودی سرمایه \dot{K} ، تقاضای داخلی \dot{D} ، صادرات \dot{X} و واردات \dot{M} را نشان می‌دهد.

از این تابع نتیجه می‌شود که نرخ رشد اشتغال با نرخ رشد یعنی قیمت محصول رابطه‌ی مثبت، با دست‌مزد رابطه‌ی معکوس، با بهره‌وری نیروی کار رابطه‌ی منفی و با نرخ رشد سرمایه رابطه‌ی مثبت دارد. این رابطه با نرخ رشد تقاضای داخلی و صادرات رابطه‌ی مستقیم دارد، اما رابطه‌ی آن با نرخ رشد واردات معکوس است، که در این سه متغیر آخر، ضرایب به ترتیب سهم تقاضا از تولید، سهم صادرات از تولید و سهم واردات از تولید است (طیبی، ۱۹۹۶ و کمیجانی و قویدل، ۱۳۸۴).

بر اساس تئوری‌های اقتصادی تقاضا برای نیروی کار تابعی از سرمایه (K) و تولید (GDP) است، به همین منظور تابع تقاضا برای نیروی کار به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$L = F(W, K) \quad (8)$$

اما در این تحقیق برای نشان دادن اثر آزادسازی اقتصاد، درجه‌ی باز بودن اقتصاد ($OPEN$) و سطح تجارت بین‌المللی (LIT) در تابع تقاضای نیروی کار وارد می‌شود. هم‌چنین برای نشان دادن اثر اندازه‌ی دولت در بخش کشاورزی بر اشتغال این بخش متغیر G وارد مدل

گردید. بنابر این، تابع تقاضا برای نیروی کار به صورت زیر تعریف می شود (سوری و کیهانی حکمت، ۱۳۸۲؛ رفیعی و زیبایی، ۱۳۸۲ و اثنی عشری، ۱۳۸۶):

$$LNL = \beta_0 + \beta_1 LNK + \beta_2 LNGDP + \beta_3 LNopen + \beta_4 LNLIT + \beta_5 LNG \quad (9)$$

در معادله‌ی شماره‌ی (۹) متغیرها عبارت است از:

LL: اشتغال بخش کشاورزی

LK: موجودی سرمایه

LGDP: ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی

LLIT: سطح تجارت بین‌المللی با معادله‌ی $LIT = \frac{X+M}{GDP-(X-M)}$ که X و M به ترتیب صادرات و واردات و GDP تولید ناخالص داخلی می باشد.

LOPEN: درجه‌ی باز بودن تجاری $\frac{X+M}{GDP}$ که X و M صادرات و واردات و GDP تولید ناخالص داخلی می باشد.

LG: اندازه‌ی دولت که عبارت است از مجموع هزینه‌های عمرانی و جاری دولت در بخش کشاورزی به ارزش افزوده‌ی این بخش.

با توجه به بردار تصریح شده در بالا (رابطه‌ی شماره ۹)، با استفاده از روش دینامیکی ARDL¹ و روش تصحیح خطا (ECM) در برآورد روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت اشتغال رابطه‌ی میان آزادسازی تجاری و اشتغال در ایران در دوره‌ی ۸۵ تا ۱۳۵۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد. در روش ARDL پسران و شین (۱۹۹۹) ثابت می‌کنند که اگر بردار هم‌جمعی حاصل از به‌کارگیری روش حداقل مربعات بر یک الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده، که وقفه‌های آن به خوبی تصریح شده باشد، به دست آید، علاوه بر این که برآوردگر حداقل

1- Autoregressive Distributed Lag
2-Error Correlation Mechanism

تأثیر آزادسازی تجاری و اندازه‌ی دولت بر اشتغال ...

مربعات از توزیع نرمالی برخوردار خواهد بود، در نمونه‌های کوچک از اریب کم‌تر و کارایی بیش‌تری بهره‌مند می‌گردد.

نتایج و بحث

ابتدا به منظور بررسی پایایی و وجود ریشه‌ی واحد سری‌های زمانی متغیرهای مورد استفاده در مدل اشتغال از آزمون دیک‌ی فولر (ADF) استفاده شده است. با توجه به جدول (۱) مشاهده می‌شود که قدر مطلق آماره‌ی دیک‌ی فولر محاسبه شده برای هر یک از متغیرها در سطح از قدر مطلق آماره‌ی بحرانی^۱ کوچک‌تر است، بنابراین فرضیه‌ی صفر یا وجود ریشه‌ی واحد را نمی‌توان رد کرد. پس همه‌ی متغیرها در سطح ناپایا هستند. اما با یک بار تفاضل‌گیری از همه‌ی متغیرها پایا بودن متغیرها به اثبات می‌رسد. به دلیل استفاده از روش ARDL در تخمین و خاصیت این روش، که حتا اگر متغیری ناپایا بماند ترکیب خطی متغیرها درکل پایا می‌شود، مشکلی در خدشه‌دار شدن نتایج به وجود نمی‌آید (اندرز، ۲۰۰۳). بدین ترتیب متغیرهای مدل هم‌جمع از مرتبه‌ی یک است.

جدول (۲). نتایج آزمون ADF برای متغیرهای مدل در سطح و تفاضل مرتبه اول

متغیرها در سطح	تعداد وقفه	آماره‌ی t	متغیرها با یک بار تفاضل‌گیری	تعداد وقفه	آماره‌ی t
LL	۱	۱/۴	d LL	۱	۴/۸۵
LGDP	۰	۱/۲۸	dLGDP	۱	۶/۸۶
LK	۰	۱/۱۶	dLK	۰	۴/۶۹
LOPEN	۱	۱/۴۹	dLOPEN	۰	۴/۹۱
LLIT	۰	۴/۳۴	dLLIT	۰	۴/۱۵
LG	۱	۱/۴۵	dG	۱	۵/۴۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

۱ مقدار بحرانی در حالت با عرض از مبدا و بدون روند در سطح ۱٪ برابر با ۴/۶۳ و در سطح ۵٪ برابر با ۴/۹۵ است.

نتایج برآورد شده از طریق ARDL در جدول زیر ارائه شده است.

جدول (۳). نتایج تخمین به روش $ARDL(1,2,1,2,0,0)$ نقش آزادسازی تجاری و اندازه دولت بر اشتغال

متغیر توضیحی	LL (-1)	LGDP	LGDP (-1)	LGDP (-2)	LK	LK (-1)
ضریب	۱/۲۴	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۱
آماره t	۹/۵۸	۰/۶۶	۱/۲۶	۲/۹۴	۰/۵۱	۴/۷
متغیر توضیحی	LLIT	LLIT (-1)	LLIT (-2)	LOPEN	LG	C
ضریب	۰/۰۰۷	۰/۳۶	۰/۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۴/۶
آماره t	۰/۵۹	۰/۰۴	۴/۳۷	۱/۲۴	۴/۲۱	۴/۸

ماخذ: یافته‌های تحقیق

این نتایج نشان‌دهنده‌ی معنی‌دار نبودن اثر آزادسازی تجاری بر اشتغال بخش کشاورزی می‌باشد، اما متغیر اندازه‌ی دولت در مدل برآوردی معنی‌دار است. به طور کلی، نتایج حاصل از تخمین ARDL در جدول قبلی بیان‌گر وجود رابطه‌ی تعادلی بلندمدت میان متغیرهای موجود در مدل با متغیر اشتغال است. لذا در ادامه به تحلیل بلندمدت تابع اشتغال و سپس از طریق روش تصحیح خطا (ECM) به تحلیل کوتاه‌مدت تابع اشتغال پرداخته خواهد شد.

جدول (۴). نتایج برآوردی بلندمدت مدل اشتغال بر اساس روش ARDL

متغیر توضیحی	C	LG	LOPEN	LLIT	LK	LGDP
ضریب	۱۷,۹۸	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۴
آماره t	۱۷/۹۶	۲/۲۲	۰/۲۵	۴/۴۶	۴/۶۴	۴/۷۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق

تأثیر آزادسازی تجاری و اندازه‌ی دولت بر اشتغال ...

نتایج یاد شده نشان می‌دهد که در بلندمدت، آزادسازی تجاری می‌تواند باعث کاهش اشتغال شود، زیرا ضرایب این متغیرها در سطح ۱۰٪ معنی‌دار است. در عمل، ۱٪ افزایش در آزادسازی توسط دو شاخص آزادسازی به ترتیب ۱۴٪ و ۱٪ اشتغال را کاهش می‌دهد. متغیر اندازه‌ی دولت (LG) رابطه‌ی مثبتی بر سطح اشتغال بخش کشاورزی در ایران دارد، به گونه‌یی که ۱٪ افزایش در اندازه‌ی دولت می‌تواند ۳٪ افزایش در اشتغال را در بخش کشاورزی در بلندمدت در پی داشته باشد. این نتیجه با مبانی تئوری بسیاری از کشورهای در حال توسعه هم‌خوانی بسیار دارد. محدودیت عامل سرمایه و وضعیت اقتصادی کشور، این تفکر را القا می‌کند که سرمایه‌گذاری باید در فعالیت‌های مهم محرک اشتغال و به‌خصوص صنعت با ضریب اشتغال‌زایی بالا صورت گیرد، اما نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که موجودی سرمایه در بخش کشاورزی رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با اشتغال در این بخش دارد. به عبارت دیگر، ساختار بخش کشاورزی در دوره‌ی مورد مطالعه چنان شکل گرفته که سرمایه‌گذاری و موجودی سرمایه در آن مکمل نیروی کار است، و از راه‌هایی مانند افزایش سطح زیرکشت باعث افزایش تقاضای نیروی کار و اشتغال شده است. با این حال، ارزش افزوده‌ی این بخش در بلندمدت تأثیر منفی بر سطح اشتغال آن دارد، که حاکی از خراج شدن منافع بخش کشاورزی از این بخش است. این منافع تبدیل به سرمایه در خود این بخش نمی‌شود. به منظور دستیابی به رابطه‌ی کوتاه‌مدت، مدل اشتغال به‌روشن تصحیح خطا برآورد می‌گردد، به گونه‌یی که نتایج در جدول ۵ نشان داده می‌شود:

جدول (۵). نتایج برآوردی کوتاه‌مدت مدل اشتغال بر اساس روش ARDL

متغیر توضیحی	dLGDPI	dLGDPI	dLK	dLLIT	dLLIT1	dLOPEN	dLG	dC	ecm (-1)
ضریب	۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۱۴
آماره‌ی t	۰/۶۶	۰/۶۶	۰/۵۱	۰/۵۹	۰/۷۳	۰/۸۴	۰/۲۱	۰/۸۰	۰/۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق

چنان که ملاحظه می‌شود اشتغال بخش کشاورزی نسبت به تغییرات هر یک از متغیرهای توضیحی آزادسازی و اندازه‌ی دولت در این بخش، و سرمایه و ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی از خود واکنش نشان می‌دهد. درحالی‌که در تخمین‌های بلندمدت افزایش آزادسازی تاثیر معنی‌داری بر اشتغال ایجاد نمی‌کند، در کوتاه‌مدت به کاهش معنی‌دار اشتغال منجر می‌شود، ولی به طور معکوس، اندازه‌ی دولت در بلندمدت تاثیر مثبتی بر اشتغال در بخش کشاورزی داشته است، اما در کوتاه‌مدت این تاثیر منفی می‌باشد. در مجموع، بر اساس رابطه کوتاه‌مدت به‌دست آمده در جدول ۴ افزایش یک درصدی در آزادسازی تجاری بر اساس شاخص‌های مورد استفاده (LOPEN, LLIT) 0.07% و 0.02% باعث کاهش در اشتغال بخش کشاورزی ایران می‌شود. متغیر اندازه‌ی دولت در کوتاه‌مدت با افزایش یک درصدی منجر به 0.05% کاهش در سطح اشتغال خواهد شد. نتایج در جدول ۴ نیز نشان می‌دهد که جمله‌ی ecm معنی‌دار و گویای این واقعیت است که متغیر اشتغال برون‌زای ضعیف است و بیش‌تر تحت تاثیر عوامل تعیین‌کننده‌ی از جمله متغیرهای GDP، موجودی سرمایه، و اندازه‌ی دولت است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌گونه که نتایج مدل رگرسیونی رابطه میان آزادسازی تجاری و اشتغال بخش کشاورزی در دوره‌ی ۸۵-۱۳۵۰ نشان می‌دهد، توجه به سیاست آزادسازی تجاری در شکل‌های مختلف، چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت، آثار منفی‌بی بر سطح اشتغال در بخش کشاورزی داشته است. در واقع، آزادسازی‌های اقتصادی در قالب برنامه‌های مختلف آزادسازی تجاری از جمله ویژگی‌های بارز جهانی شدن است، که در سطح اقتصاد خرد به قانون‌مند شدن فعالیت‌های تولیدی بر مبنای نظام بازار منجر گردیده است، گرچه ممکن است در سطح کلان اقتصادی منجر به افزایش رشد اقتصادی، اشتغال و رفاه برای کشورها شود (طیبی و ذاکر فر ۱۳۸۷)، اما بر سطح اشتغال بخش کشاورزی تاثیر منفی دارد و باعث کاهش اشتغال می‌شود. به‌دنبال جهانی شدن و آزادسازی‌های اقتصادی، کشور درصدد به‌کارگیری استراتژی‌هایی بر می‌آید که

تأثیر آزادسازی تجاری و اندازه‌ی دولت بر اشتغال ...

بتواند در تولید کالاهایی که در آن‌ها مزیت نسبی و رقابتی دارد از دیگر رقبا پیشی بگیرد و از بازارهای بین‌المللی در اقتصاد جهانی بهره‌برد. در این میان بخش کشاورزی در کشور ما که یک بخش اصلی و کاربر محسوب می‌شود، با به‌کارگیری تکنولوژی‌های برتر که بیش‌تر سرمایه‌بر هستند باعث آزادشدن نیروی کار بسیاری در اغلب فعالیت‌ها می‌شود (شایان ذکر است که بسیاری از فعالیت‌های کشاورزی در کشور انجام می‌شود که در آن‌ها مزیت نسبی نداریم). بخشی از نیروی کار آزادشده از بخش کشاورزی ناشی از آزادسازی به بخش صنعت جذب می‌شوند و مابقی آن بی‌کار باقی می‌مانند، و منجر به افزایش شاخص‌های بی‌کاری می‌شوند. نتایج تخمین تابع بلندمدت اشتغال بر این موضوع تاکید دارد که قرار گرفتن در مسیر توسعه‌ی جهانی و به‌ویژه پیوستن به سازمان تجارت جهانی در بخش کشاورزی نمی‌تواند چندان وضعیت مطلوبی برای دستیابی به فرصت‌های شغلی و ارتقای سطح اشتغال در اقتصاد کشاورزی ایران ایجاد کند.

از طرفی برآورد مدل بلندمدت اشتغال نیز حاکی از تأثیر اندازه‌ی دولت بر اشتغال در بخش کشاورزی در ایران است. به عبارت دیگر، در کشورهای در حال توسعه دولت سهم مهمی در تمامی بخش‌های اقتصادی دارد، که این سهم هر چه در بخش کشاورزی در ایران بیش‌تر باشد باعث به‌کارگیری افراد بیش‌تری در این بخش می‌شود و اشتغال را افزایش می‌دهد. در ایران دولت با سیاست‌های حمایتی از جمله خرید تضمینی و یارانه‌های نهاده‌ی و غیره، زمینه‌ی کاهش ریسک و افزایش تولید، و به تبع آن افزایش اشتغال را در این بخش فراهم می‌کند. در مجموع می‌توان گفت که حضور دولت و اندازه‌ی آن در بخش کشاورزی باعث افزایش اشتغال آن می‌شود. رها کردن بخش کشاورزی به حال خود و دخالت نکردن در آن توجیه اقتصادی ندارد. بنابراین با توجه به اهمیت اشتغال، در زمینه‌ی آزادسازی تجاری در بخش کشاورزی بایستی بسیار محتاطانه عمل شود، به گونه‌ی که نه از روند جهانی شدن دور ماند و نه با حذف سیاست‌های حمایتی دولت و کاهش اعتبارات بخش کشاورزی منجر به کاهش تولید و ایجاد وابستگی و هم‌چنین کاهش اشتغال شد. شایان ذکر است که در هنگام ورود به فرایند آزادسازی و همگام با آن بایستی اصلاحات بازار کار، اعم از بازنگری در قانون کار و مانند آن

اجرا شود، و قبل از ورود به آزادسازی نمی توان نیازهای اصلاحی آن را به خوبی شناسایی نمود. یکی از پیشنهادها این مطالعه این است که همگام با آزادسازی، صنایع تبدیلی و تکمیلی در کشاورزی افزایش پیدا کند، تا با پذیرش تکنولوژی‌های برتر تولیدی، کارگران آزاد شده بتوانند جذب همین صنایع شوند و به رونق کشاورزی و اشتغال این بخش بیفزایند.

منابع

- اثنی عشری، ا. (۱۳۸۶). اثر سیاست‌های پولی و مالی بر اشتغال بخش کشاورزی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. رشته اقتصاد کشاورزی. دانشگاه زابل.
- مرکز تحقیقات اقتصاد ایران (۱۳۸۳). بانک مقالات و داده‌های اقتصادی ایران. دانشگاه علامه طباطبایی.
- رفیعی، ه. و زیبایی، م. (۱۳۸۲). اندازه‌ی دولت، رشد اقتصادی و بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*. ۱۱ (۴۳ و ۴۴): ۸۳-۹۵.
- سوری، ع. و کیهانی، ر. (۱۳۸۳). متغیرهای جمعیتی، اندازه‌ی دولت و رشد اقتصادی در ایران. *فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی*. (۹ و ۱۰): ۴۵-۶۱.
- صادقی، ح. و همایونی‌فر، م. (۱۳۸۰). نقش کشاورزی در تامین اشتغال و کاهش بیکاری. پژوهشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس. *فصلنامه‌ی پژوهش‌های اقتصادی مدرس*، (۱): ۴۱-۵۵.
- طیعی، ک. و ذاکرفر، ن. (۱۳۸۷). تاثیر آزادسازی تجاری بر سطح اشتغال کشور. *مجله‌ی توسعه و سرمایه*. (۱): ۴۶-۲۷.
- کمیحانی، ا. و قویدل، ص. (۱۳۸۴). نقش آزادسازی تجاری بر بازار کار و اشتغال و برآورد تابع تقاضای نیروی کار در ایران. *پژوهشنامه‌ی اقتصادی*. (۱۳): ۴۳-۵۷.
- کاظمی نائینی، ش. (۱۳۸۲). اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال‌زایی در ایران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. رشته‌ی علوم اقتصادی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان.

- Benarroch, M. and Pandey, M. (2008). Trade openness and government size, Journal Homepage: www. Elsevier. Com/local/econbase. *Economic Letter*, 101: 157–159.
- Carr, J.L. (1989). Government size and economic growth: A new from work and some evidence from cross-section and time-series data: comment. *The American Economic Review*, 71–267.
- Christer, A., Kupets, O. and Lehmann, H. (2005). Trade Liberalization and Employment Effects in Ukrain. Discussion Paper Series.
- Enders, W. (2003). Applied econometric time series. Third Edition. John Wiley & Sons Inc, USA.
- Guseh, J.S. (1997). Government size and economic growth in developing countries: A Political-economy framework. *Journal of Macroeconomics*, 19: 175–192.
- Karras, G. (1996). The optimal government size: further international evidence on the productivity of government size. *Economic Inquiry*, 34: 193–203.
- Khezy, A. (2003). Jobs and incomes in a globalization world. International Labor Organization (ILO).
- Lee, E. (2005). Trade liberalization and employment. Economic and Social Affairs DESA Working Paper. No 5.
- Lee, B.S. and Lin, SH. (1994). Government Size, demographic changes and economic Growth. *International Economic Journal*, 8: 91–108.
- Levinsohn, J. (1999). Employment responses to international Liberalization in Chile. *Journal of International Economics*, 47: 321–344.
- Pesaran, M.H. and Shin, Y. (1998). An autoregressive distributed lag modeling approach to co integration analysis in (ED) S. Storm, The econometric and economic theory in the 20th centry, chapter 11, Cambridge University Press, Cambridge.
- Ram, R. (1986). Government size and economic growth: A new framework and some evidence from cross-section and time-series data. *The American Economic Review*, 76: 191–203.
- Ram, R. (1989). Government size and economic growth: framework and some evidence from cross-section and time-series data, reply. *The American Economic Review*, 79:281–284.
- Stalling, B. and W. Peres (2000). The impact of economic reforms in Latin America and the Carribbean. Brooking Institution Press, Washington DC.
- Tayebi, S.K. (1996). Econometric modeling of import demand in developing countries: the case of Iran, PhD Dissertation, university of Wollongong, Australia.